

تحلیل تطبیقی رهیافت‌های مرتبط با شهر ایرانی-اسلامی

جمیله توکلی نیا^{۱*} (نویسنده مسئول)، مظفر صرافی^۲، فرشته دستواره^۳

^۱ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۲ دانشیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۳

چکیده

توسعه شهر با راه کارهای عصر مدرنیته و مسائل برآمده از آن، موجب شده است که برنامه‌ریزان شهری به ارائه‌ی گویایی از شهر آرمانی با پایه‌های متفاوتی برای حل مسائل بپردازند. شهر آرمانی در ایران، شهری ایرانی-اسلامی تعبیر شده است که در مورد آن رهیافت‌های مختلفی وجود دارد. هدف این مقاله بررسی و مقایسه رهیافت‌ها در باره شهر ایرانی-اسلامی است تا مفاهیم مورد توافق اندیشه‌مندان را برای رسیدن به الگوی آن بیابد. این رهیافت‌ها در سه گروه منسجم فکری دسته‌بندی شده‌اند و با توجه به عوامل متشکله، فضا و کارکرد شهر ایرانی-اسلامی در این عناوین بیان شده‌اند: «شهر و مهندسی ایرانی» از دیدگاه محمد بهشتی شیرازی، «شهر پژوهی جغرافیایی و سرچشمه‌های جهان‌بینی» از دیدگاه مصطفی مومنی، «شهر و فضای تفکر اسلامی» از دیدگاه محمد نقی زاده و نیز یک رهیافت که متشکل از مجموعه‌ای از دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف مطالعات شهری، مانند حسین نصر، پرویز پیران، نادر اردلان، لادن اعتضادی و محمدحسین شریف زادگان که با عنوان رهیافت «مجموعه‌ای از نظریات متفرقه در شهر ایرانی-اسلامی» شرح داده شده است. روش پژوهش، کیفی و با استفاده از فن تحلیل محتوا است. در این روش پس از استخراج مفاهیم و کدهای مرتبط با آن‌ها، به مقایسه و نیز تلفیق مفاهیم یا یکدیگر و سپس تأیید آن‌ها با توجه به دیدگاه‌های صاحب‌نظران پرداخته شده است. بر این مبنا، مفاهیم مشترکی استخراج شده است که، از سویی هم در شهر ایرانی و از سوی دیگر در شهر اسلامی قابلیت کاربست دارد و موجب تحقق شهر آرمانی مورد نظر می‌شود. این مفاهیم در پنج گروه از مقوله‌ها دسته‌بندی شده‌اند؛ شامل: مقوله‌های اجتماعی-فرهنگی، کالبدی، اقتصادی، محیط زیستی و اعتقادی-معنوی.

واژگان کلیدی: مدرنیته، شهر ایرانی-اسلامی، عوامل متشکله، کارکرد، فضا، تحلیل تطبیقی.

صفویه به تعبیر هانری کربن در مکتب الهی فلسفی اصفهان و مواردی از این نوع شهرها است.

با این اوصاف، جامعه ایرانی با یکی از بنیادهای هویت خود یعنی «اسلامی» در دنیای شبه مدرن و شبه سرمایه‌داری در شهرنشینی خود، چه در کلان‌شهرها و چه شهرهای دیگر، با چالش‌های بنیادینی مواجه است. اکثر شهرها امروزه در ایران با مسائلی هم چون چالش قابل زندگی بودن، چالش کالایی شدن و چالش‌های هویتی مواجه هستند (آخوندی، ۱۳۹۴). با توجه به این چالش‌ها شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری و دیگر صاحب‌نظران در حوزه‌های گوناگون علم ودانش، به دنبال یافتن الگویی نوین برای زندگی شهری، با هدف کاستن از مشکلات و حل آن‌ها بوده‌اند. مطرح شدن عناوینی مانند شهر با هویت ایرانی-اسلامی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، حیات طیبه ایرانی، بازخوانی مفهوم ایران‌شهر و... به عنوان شهر آرمانی برای نیل به توسعه‌راستین و زندگی شهری با کیفیت بالا، برای ارائه الگویی نوین و موفق از شهر و شهرنشینی است.

مفهوم شهر با هویت ایرانی-اسلامی در میان دیدگاه‌های پژوهشگران شهری موضوعی بسیار بحث‌برانگیز بوده است. در ابتدا برداشت از شهر ایرانی-اسلامی، به مثابه شهری با خصوصیات مرز و بوم ایرانی و آیین اسلام بوده است. اما در این باره سؤالی مطرح است که آیا برای سایر کشورهای جهان مدل شهری با پسوند ملیت و مذهب برای رسیدن به آرمان‌شهر متصور شده است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان چنین فرض کرد که عوامل متعدّد شکل‌دهنده شهر، فضای ویژه، کالبد و کارکردهای متمایز آن برمبنای معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ایرانی و آموزه‌های دین اسلام است که آن را از دیگر شهرهای جهان متمایز می‌سازد؛ در واقع سنت زندگی در زیست‌بوم ایرانی به همراه قواعد ماندگار آیین آنان، در ساختار و به تبع آن در فضای شهری عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار بوده است.

در زمینه شهر با هویت ایرانی-اسلامی دیدگاه‌های مختلفی از صاحب‌نظران ایران و جهان مطرح شده است. برخی بر این باوراند که مفهوم شهر اسلامی، مورد قبول نیست و اصولاً چنین شهری وجود ندارد. افرادی هم چون ونسننت کاستللو، سلیم حکیم و کلودکاهن به جای این مفهوم، مفاهیمی مانند شهر مسلمانان، شهر مسلمانان و یا شهر در دوران اسلامی به کار می‌برند. اما گروهی دیگر از اندیشه‌مندان همانند تیتوس بورکهارت به معتقد به وجود شهر اسلامی هستند و آن را شکل گرفته بر طبق اصول هنر دوران اسلامی می‌دانند. صاحب‌نظرانی مانند حسین نصر، محمد بهشتی، مصطفی مؤمنی و محمد نقی‌زاده نیز از زوایای متعدّد به بررسی و تحلیل این دو محتوا در شهر پرداخته‌اند و سعی در اثبات آن دارند. از این رو، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که:

- دیدگاه‌های گوناگون شهر ایرانی-اسلامی چه تفاوت‌هایی

با هم دارند؟

درباره ورود اسلام به ایران، می‌توان گفت «اسلام همچون غریبه‌ای به ایران نیامد و گویی به خانه خود آمد و شکوفا شد. پذیرش و رواج اسلام در ایران نه در اثر شمشیر عرب بلکه به دلیل جای گرفتن در بستر باورهای معنوی ایرانیان بوده است» (صرافی، ۱۳۹۴: ۱۹). در واقع با نفوذ اسلام و گسترش خلافت اسلامی در سرزمین‌های مختلف از جمله ایران، تمدن اسلامی شکل گرفت. این تمدن عظیم ضمن اثرگذاری بر فرهنگ، شیوه زندگی و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی ایرانیان، تحت تأثیر فرهنگ و سنت باستانی ایرانیان قرار گرفت. این رابطه متقابل و تأثیرات دین اسلام و آموزه‌های ایرانی بر یکدیگر، موجب تغییر شیوه‌های زندگی در ایران شد. بنا براین اثرگذاری و اثرپذیری، سکونت‌گاه‌های شهری در ایران شکل گرفت که شالوده‌هایی از هر دو تفکر ایرانی و اسلامی را در خود دارند. با گذشت زمان و ورود به دوران معاصر، سکونت‌گاه‌های شهری در ایران با نفوذ مدرنیته و راه و رسم شهرسازی آن به تدریج تغییر یافته‌اند. از آنجا که «مدرنیسم خواست نوسدن است که عمدتاً شهرها اولین مکان برای بروز مدرنیته هستند» (حبیبی و رضایی، ۱۳۹۲: ۲) در گذر از سنت به مدرنیته شهرسازی و معماری در ایران، رنگ و بوی ایرانی-اسلامی خود را از دست داده‌اند.

یکی از اثرات متناقض شهرسازی مدرنیستی آن است که شهرها را به جهانی تبدیل کرده است که به لحاظ فضایی و اجتماعی به پاره‌هایی مجزا تقسیم شده‌اند؛ اینجا مردم، آنجا ترافیک، اینجا کار، آنجا خانه، اینجا اغنیا، آنجا فقرا و در میان آن‌ها موانعی از چمن و سیمان دیده می‌شود. اما تلخ‌ترین اثر شهرسازی مدرنیستی آن است که پیروزی‌اش به نابودی همان زندگی شهری کمک کرده است که آزادی و رهایی آن آرزویش بوده است (برمن، ۱۳۹۲: ۲۰۴-۲۰۵). فضاهای شهری برآمده از برنامه‌ریزی مدرنیستی به لحاظ فیزیکی تمیز، منظم و به لحاظ اجتماعی مرده و بی‌جان هستند (جیکوبز، ۱۳۹۲). فهم مدرن از ترقی و پیشرفت در شهرها منجر به رشد و توسعه‌ای شده است که میان مناسبات فرد و جامعه، انسان و طبیعت و در نهایت انسان و خدا و تعادل آن‌ها شکاف ایجاد کرده است (نصر، ۱۳۹۰). در حال حاضر، انسان و جامعه شهری در تجربه خود از مدرنیته به تعبیر ارنست اف. شوماخر با شکلی از «بی‌اعتنایی ماده‌گرایانه» مواجه شده است که آرمان و تصوّرش از توسعه و ترقی تغییر کرده است. «از آنجا که مفهوم توسعه و مباحث آن قرابت نزدیکی با اندیشه یوتوپیا و آرمان‌شهرگرایی دارد» (نصر، ۱۳۹۰: ۱۵۹)، بشر امروزی در این مسیر به دنبال یافتن شهری انتزاعی و آرمانی هم چون آرمان‌شهر افلاطون، مدینه فاضله فارابی، شهر مثالی یا ناکجاآباد شیخ اشراق و یا کمی واقعی‌تر شهر آرمانی ابنزرهاوارد، فالانز، یک جامعه آرمانی در نظر شارل فوریه، ایکاریای اتین کابه، شهر آرمانی دولت

- وجه اشتراک این دیدگاه‌ها با معیارهای شهر ایرانی- اسلامی کدام است؟

در این پژوهش هدف آن است که با مطالعه، به بررسی، تحلیل و مقایسهٔ رهیافت‌های متعدّد در زمینهٔ شهر با هویت ایرانی- اسلامی در عرصه‌های مختلف مطالعات شهری و تفاوت آن‌ها پرداخته و با توجه به استخراج یافته‌ها و معیارهای پژوهش براساس وجه اشتراک این دیدگاه‌ها، به ماهیت واقعی شهر ایرانی- اسلامی برای رسیدن به الگویی نوین دست یافت.

روش پژوهش

از آنجایی که موضوع مقاله تحلیل تطبیقی رهیافت‌ها است، از روش پژوهش کیفی و با تأکید بر فن تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. تحلیل محتوا به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه‌ای ذهنی، ولی با روش‌های علمی تفسیر کنند. این روش به فراسوی کلمات و مفاهیم می‌رود و الگوها و مفاهیمی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). در این پژوهش با متن خوانی و تفحص در مقاله‌ها و نوشته‌های صاحب‌نظران به روش کتابخانه‌ای و اسنادی، اطلاعات اولیه جمع‌آوری شد. سپس با دسته‌بندی داده‌های کیفی ضمن تحلیل مفاهیم مورد توجه صاحب‌نظران با کدگذاری و مقایسه آن‌ها و مقوله‌بندی و تعیین زیر مقوله‌ها، رهیافت‌ها به صورت ترکیبی با تلفیق مفاهیم با یکدیگر استخراج شدند. بر مبنای روش پژوهش کیفی محتوایی سعی شده تا به مفاهیم مشترک در نظریه‌های صاحب‌نظران اهمیت داده شود تا از این رهگذر وجوه مورد اختلاف قابل دست‌یابی باشد.

مباحث نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش با توجه به دیدگاه‌های مختلف در زمینه اصول و قواعد شهر مطلوب تنظیم و در سه دسته بررسی شده است. دسته اول، به نظریه‌ها و ویژگی‌های جهان‌شمول شهر اشاره دارد. دسته دوم شامل دیدگاه‌های ایران‌شمول به شهر می‌شود، و در دسته سوم ویژگی‌های شهر در دوران اسلامی بیان گردیده است (جدول شماره ۱).

نظریهٔ جهان‌شمول شهر

در دیدگاه پژوهشگران شهری از جمله معماران، جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان پیوندهای فرهنگ با جامعهٔ شهری بسیار تنگاتنگ است. از این رو، برای شناخت ویژگی‌های هر سکونت‌گاه تحلیل خصوصیات فرهنگی آن، سوابق فرهنگی و تغییرات فرهنگ در زمان امری ضروری است. امس راپاپورت از جمله افرادی است که بیشتر بر پژوهش پیوندهای میان فرهنگ و جامعه متمرکز است. او با این دیدن‌گاهی تازه به مفهوم شهر و شهرنشینی مطرح می‌کند که پیامد شیوه خاص تفکر اوست. او که فرهنگ هر شهر را نمودار ارزشی حاکم بر آن می‌داند، بر این باور است که فرهنگ بر شهر تأثیر گذاشته و بدان شکل می‌دهد. به عبارتی دیگر فرهنگ مجموعه قوانینی می‌آفریند که فرم ساخته شده بازتابی از آن است. راپاپورت فرهنگ را عاملی مهم در شکل‌دهی به سامانه‌های فعالیتی انسان‌ها و در پی آن سکونت‌گاه‌ها می‌داند. او محیط‌های مصنوع را سامانه‌های ذهنی نظم‌دهی به دست انسان‌ها می‌داند و شکل سامانه‌ها بر پایه فرهنگ‌های گوناگون متنوع است. همچنین او یادآور می‌شود که بخش مهمی از بررسی تاریخ شهر و شهرسازی باید وابسته به رفتارهای انسانی باشد. او با بیان تعریف‌ها از صاحب‌نظران گوناگون همچون گوردن چایلد نتیجه می‌گیرد که سکونت‌گاه نه بر پایه ویژگی‌های خاص بافت آن و یا به عنوان مجموعه‌ای از عناصر، بلکه به عنوان کارکرد ویژه‌ای که یک هسته اولیه و یک فضای تأثیرگذار بر سازماندهی منطقه پیرامون خود دارد، می‌توان بدان نام شهر اطلاق نمود. همچنین او معتقد است که رفتارها در بستر یک زمینه رخ می‌دهند و هر زمینه بر پایه معنایی ساخته شده‌اند، مردم در زمینه‌های گوناگون با یافتن اشاره‌های ممکن برای آن معانی، رفتارهای گوناگونی از خود بروز می‌دهند (پاکزاد، ۱۳۸۹).

نظریهٔ ایران‌شمول شهر

رویکرد نوستی و معناشناسانه به شهر ایرانی

شهرهای ایرانی در گذشته بهترین نمونه‌های پایداری را در خود متجلی ساخته‌اند. با توجه به محدودیت‌های اکولوژیکی، مواردی هم چون توسعهٔ متناسب و سازگار با طبیعت، صرفه‌جویی در منابع، استفاده از مواد و مصالح بومی، ابداع روش‌های مؤثر مناسب برای ادامهٔ حیات، نظیر قنات و بادگیر و استفادهٔ هنرمندانه از آب و گیاه برای تلطیف هوا و ایجاد مناظر مطبوع، احداث باغ‌ها و باغچه‌ها

جدول شماره ۱: دسته‌بندی نظریه‌های جهان‌شمول، ایران‌شمول شهر و برخی از ویژگی‌ها و آموزه‌های شهر دوران اسلامی

| نظریه ایران‌شمول شهر | نظریه جهان‌شمول شهر | برخی از ویژگی‌ها و آموزه‌های شهر دوران اسلامی | | | | | |
|--|--------------------------|---|---------------------------|---|-------------------------------------|--|---|
| رویکرد نوستی و معناشناسانه به شهر ایرانی | منشأ فرهنگی سکونت‌گاه‌ها | ویژگی‌های شهر سنتی ایرانی | مکتب اصفهان در طراحی شهری | نظریهٔ فارابی در زمینهٔ شهروندان و شهر آرمانی | اندیشه‌های اجتماعی و شهری ابن خلدون | اندیشه‌های اجتماعی خواجه نصیر الدین طوسی | برخی از ویژگی‌ها و آموزه‌های شهر دوران اسلامی |

در حیاطها، فضاهای عمومی و اطراف شهرها همه عوامل مؤثر در پایداری شهرها بوده‌اند. به نظر می‌رسد مفاهیم توسعه پایدار به خوبی با اهداف و مقاصد شهرسازی نوین سازگار باشد و شهرسازی بتواند به عنوان روشی مؤثر برای تحقق اهداف پایداری از آن استفاده کند (بحرینی، ۱۳۷۸: ۲۷۹).

اساس رویکرد معناشناسانه بر این اصل استوار است که محیط زندگی انسان، اعم از طبیعی و مصنوعی، می‌تواند علاوه بر جنبه‌های عملکردی معمول به بیان و انتقال معانی و مفاهیم بپردازد، که از جنبه عملکردی نیز با اهمیت‌تر است. نمادگرایی یکی از خصوصیات بارز و برجسته شهرهای مشرق زمین و به خصوص ایران است که با غلبه مدرنیسم به تدریج از چهره شهرها حذف شده است (بحرینی، ۱۳۷۴: ۳۵۳). برای مثال امس راپورت در مباحث معماری و شهرشناسی رویکردی معناگرا دارد و به عقیده وی نمی‌توان نظریات متداول شهری را به همه فرهنگها و معناها تعمیم داد. مثال وی نظریه «شهر به مثابه مرکز تحول» است. بنابر نظر او گرچه شهرها در غرب مرکز تحول بوده‌اند اما به عکس در ایران و چین شهرها همیشه مرکز ثبات بوده‌اند. از منظر علوم جدید این ثبات قطعا یک ارزش فرهنگی و چه بسا مایه نوعی نظم و عامل خود سازمان‌دهی مجدد سیستم پس از هر دوره بحرانی است و تصور معنا بدون نظم نیز امری محال است (اعتضادی و ملک پور اصل، ۱۳۹۰: ۷۹-۷۸). در شهر ایرانی، انسان جزئی از عالم هستی است که تابع قوانین حاکم بر آن است. عناصر اصلی شامل طبیعت، انسان، شهر و تکنولوژی است، این چهار عنصر در شهر ایرانی باید براساس فهم عمیق معرفت‌شناسی و هستی‌شناسانه، بیان شوند و در نهایت به تعریف دقیق شهر ایرانی و هویت ایرانی معاصر برسند. شهر ایرانی، شهری است که در آن انسان ایرانی، نقش انسانی خود را به خوبی ایفا می‌کند. پس شهر ایرانی یعنی، توجه کردن به جایگاه خاص انسان در طبیعت و تبدیل شهر به مکانی برای زندگی انسان، که در آن احساس شادی داشته باشد و حقوق و وظایف شهروندی را رعایت کند تا به تعادل اکولوژیک میان عناصر چهارگانه (طبیعت، انسان، شهر و تکنولوژی) دست یابد (خوارزمی، ۱۳۹۴).

برخی از ویژگی‌ها و آموزه‌های شهر دوران اسلامی ویژگی‌های شهر سنتی ایرانی

سپاهیان اسلام پس از ورود به ایران در نقاط سوق الجیشی اردوگاه‌های نظامی خود را برپا کردند. ولی روابط عشیره‌ای در سپاهیان چنان نهادینه شده بود که آن‌ها در برپایی اردوگاه‌هایشان، بسته به تعداد طایفه‌های موجود در سپاه، محله‌های مختلفی تشکیل می‌دادند. اسکان تدریجی این قبایل، مسجد و خانه‌های مسکونی شهری و در نهایت محله‌ها را ایجاد کرد. برخی از شهرها نیز در کنار نقش نظامی-اداری، نقشی تجاری عهده‌دار شدند، ولی

نقش اصلی خود را که ایجاد امنیت در منطقه و خدمات‌رسانی بود، حفظ کردند (اشرف، ۱۳۵۹). شهر در ایران در مقابل باج و خراجی که عمدتاً به صورت محصولات کشاورزی و دست‌ساخت روستا بود، امنیت و خدمات‌رسانی به روستا را تأمین می‌کرد. بدین خاطر در جامعه سنتی ایرانی هرگز تقسیم کاری قاطعانه‌ای بین صنعت و کشاورزی به وقوع نپیوست و روستایی مایحتاج غیرکشاورزی خود را نیز در روستا تولید می‌کرد. تضاد منافع میان مالکان اموال منقول و غیرمنقول، میان تجارت و پیشه‌وری با کشاورزی به ندرت ظهور می‌کرد، زیرا نیروی سوم ولی فائقی که به طور دائم آن‌ها را تهدید می‌کرد، دامداری و عشایر کوچ‌رو بود (پاکزاد، ۱۳۸۲). در شهر سنتی ایرانی اداره شهر به عهده حاکم، کلاتر و داروغه بود که مأمور دولت و مسئول تأمین نظم و قانون بودند (پیشین: ۳۱). عدم دخالت شهرنشینان در اداره امور شهر را نمی‌توان یک جنبه به گردن خودکامگی حکومت مرکزی انداخت. جامعه شهری نیز نیاز و آمادگی این مشارکت را نداشت. به همین خاطر، شهر ایرانی نتوانست به جامعه یکپارچه و همبسته مورد اشاره ماکس وبر تبدیل شود و شهرنشینان در واحدهای کوچک‌تری به نام محله متشکل شدند. آنان برای خود در محله حقوق و وظایفی قائل بودند و برای حفظ امنیت و حرمت محله خود حاضر به همکاری بودند (پیشین: ۳۲). از نظر سازمان اجتماعی نیز نحوه برخورد شهرنشین ایرانی با فضای خصوصی و عمومی، سازمان کالبدی و سازه‌ای را در ایران به وجود آورد. برای تاجر و کاسب، امنیت راه‌های تجاری و وسعت هر چه بیش‌تر بازار فروش، با ارزش‌تر از درگیری و به جان خریدن خطر مصادره اموال به خاطر آزادی و خودگردانی بود. قشر دیران یا به اصطلاح امروز، کارمندان متوسط جزء نیرویی تمرکزگرا بودند. در کنار این سه گروه اصلی، اقشار دیگری نیز در شهرهای سنتی زندگی می‌کردند. افرادی که به کشاورزی، باغداری، یا خدمات مورد نیاز شهرنشینان مشغول بودند. از حمامی و سقا گرفته تا پینه‌دوز و رمال جزو این گروه به حساب می‌آمدند. گروه دیگری که در برخی از شهرها زندگی می‌کردند، اقلیت‌های قومی و مذهبی بودند (اشرف، ۱۳۵۹؛ پاکزاد، ۱۳۸۲). در ایران وجود آب شرط اصلی شکل‌گیری شهر و روستای ایرانی است. کالبد شهر ایرانی از نظر استقرار فضاها، سلسله مراتب، ارتباط و پیوندهای آن با اجزای شهر علاوه بر ارتباط تنگاتنگ با محیط طبیعی و پیروی از ویژگی‌های بومی محل‌گویی تعامل اجتماعی ساکنان، همکاری و معاشرت آن‌ها بود که ضمن احترام گذاشتن به طبیعت، روابط محله‌ای را نیز مورد توجه قرار می‌دادند. مکان‌گزینی عناصر شهری (ارگ، کهن‌دژ، شارستان و ...)، کارکرد این عناصر (آب انبار، تأسیسات شهری، بازار و ...) فضایی را ایجاد می‌کرد که با احداث باغ‌ها و مزارع به طبیعت اهمیت می‌داد و تعامل اجتماعی را بر می‌انگیخت (اشرف، ۱۳۵۹؛ پاکزاد، ۱۳۸۲). شهرهای سنتی ایرانی با ورود اسلام ویژگی‌هایی را پذیرفتند که

جدول شماره ۲: اصول طراحی شهری در مکتب اصفهان

| اصول | شرح و معنا |
|-------------|--|
| سلسله مراتب | هر فضای شهری یا بنا یا معماری در مکان سلسله مراتبی خود واجد معنا می‌شود. |
| کثرت | فضای شهری در انبساط خود روی به کثرت و تنوع دارد. |
| وحدت | فضای شهری در انقباض خود روی به وحدت و یکسانی دارد. |
| تمرکز | متمرکز شدن فضای شهری اعتباری خاص بدان می‌بخشد و آن را از دیگر فضاها متمایز می‌کند. |
| عدم تمرکز | توزیع متوازن فضاهای شهر علت اصلی یگانگی مفهوم شهر و فضاهای متفاوت آن است. |
| تجمع | مفهومی است که از چارچوب مکان خارج می‌شود و هویتی فضایی به مکان می‌بخشد. |
| تباین | اصلی است که فضای شهری را از یکسانی، یکدستی و بی‌هویتی می‌رهاند. |
| اتصال | هر فضای شهری در پی وصل به دیگر فضاهاست. |
| توازن | شهر در موزونی فضاها و بناهای متشکله آن تعریف می‌شود. |
| تناسب | نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و ساختمان‌ها و... همه در امری می‌گنجد که زیبایی جهان در تناسب آن معنا می‌شود. |
| تداوم | فضای شهری چون نسیمی از میان فضاها در می‌گذرد؛ از این به آن می‌شود و در این شدن، نه این است و نه آن. |
| قلمرو | هر فضای شهری از ذره فضا (مسکن) تا کلان فضا (شهر) حریم خاص خود را دارد. |
| سادگی | خلوص و صراحت فضای شهری، مکان درک سریع آن را فراهم می‌آورد. |
| پیچیدگی | کاربرد غیر معمول واژه فضا به منظور شاخص کردن آن از اصل پیچیدگی تبعیت می‌کند. |
| ترکیب | در این ترکیب می‌توان «اضداد» را نیز با یکدیگر ترکیب کرد. |
| استقرار | اصل استقرار در مفهوم ساخت کلام یا شهر معنا می‌یابد. |
| زمان | واژه در زمان‌های متفاوت جایگاه ویژه‌ای دارد و در تبعیت از زمان فهمیده می‌شود. |
| ایجاز | یعنی شهر و فضای شهری، باید بتواند گسترده‌ترین مفهوم را در ساده‌ترین صورت بیان کند. |

مأخذ: پیشین: ۱۰۴-۱۰۷

برابری اصولی است و تفاوت نیز؛ هم عزم راسخ در رسیدن به مقصد است و هم عدم توانایی در رسیدن به آن نیز. همچنین در زمینه داد و ستد و گردش اندیشه نزد شهرنشینان در شهر آرمانی فارابی هیچ چیز در حالت سکون نیست؛ نه انسان‌ها و نه اندیشه‌ها و نه اجسام- اجسام ارضی که در اثر دو نیروی اجسام آسمانی و عقل فعال به کمال می‌رسند. راستای اصلی حرکتی که مدنظر فارابی است، سعادت و دستیابی به روشنایی مطلق است (فلامکی، ۱۳۸۵) فارابی با ذکر مدینه فاضله و ضرورت اجتماعی بودن افراد از واژه تسالم استفاده می‌کند که به معنی هم زیستی مسالمت‌آمیز است و به طور بالقوه بر موضوع مشارکت تاکید دارد. وی افراد را

موجب تمایز آن‌ها با دوره باستان شد، از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

- ۱- مسجد جامع که علاوه بر داشتن نقش عبادتی محل تجمع، قضاوت، مشورت و آموزش و... بود.
- ۲- خانه‌های مسکونی که در هر محله ویژگی درون گرایی را به خود پذیرفت.
- ۳- بازار که ستون فقرات شهر شناخته می‌شد و اقتصاد شهر به آن وابسته بود.
- ۴- ارگ حکومتی که تنظیم و کنترل شهر را در دست داشت.
- ۵- محله شهری که بیش تر با توجه به قومیت، فرقه و نه ثروت شکل می‌گرفت. عناصر دیگری نظیر دارالشفاء، دارالایام، کاروان‌سراها، مدارس دینی و... بین عناصر اصلی استقرار می‌یافت.

مکتب اصفهان در طراحی شهری

یکی از شاخص‌ترین دوره‌های هنری ایران، که در آن عالم خیال در حد کمال در آثار هنری و معماری و شهرسازی ظهور یافت، قرون ۱۰ و ۱۱ هجری است. در آن دوره عقاید و تفکرات هنرمندان و اندیشه‌مندان در مکتب الهی- فلسفی اصفهان گردهم آمد. اصطلاح مکتب اصفهان را برای اولین بار هانری کربن فیلسوف فرانسوی در مقاله‌ای با عنوان «مکتب الهی، فلسفی اصفهان، میرداماد معلم ثالث» درباره گروهی از متفکران و فیلسوفان دوره صفویه به کار برد. بعد از آن حسین نصر در تاریخ فلسفه اسلامی از این اصطلاح استفاده کرد. در این مکتب با تأکید بر این گزاره که «عالم همه منظر اوست»، از ایجاد نقطه گریز دید و توجه تام و تمام به یک نقطه حذر می‌شد (حبیبی، ۱۳۹۱: ۶) (جدول شماره ۲).

اندیشه فارابی در زمینه شهروندان و شهر آرمانی

در نزد فارابی شهر نهادی پویا است. این که شهروندان در تعیین سرنوشت خویش و ویژگی‌های شهر خود مشارکت دارند، برای فارابی از بدیهیات به شمار می‌رود. فارابی عموماً بیش تر بر ویژگی سیاسی شهر تأکید داشت. در زمینه جایگاه شهرنشینان در جامعه فردی، انسان‌های اهل مدینه فاضله فارابی همه در راه کمال حرکت می‌کنند و هریک از آنان دیرتر یا زودتر از دیگری به نقطه‌ای مادی یا معنوی دست می‌یابد و این امر خود نیز برانگیزنده حرکت‌های بعدی می‌شود.

در رابطه با جایگاه شهرنشینان، در گستره شهر و جامعه شهری، مرکز مسکونی جمعی که به دست فارابی ساخته می‌شود، مجموعه‌ای اجتماعی و انسانی پویایی است که از لحظه‌ای معین، یعنی پس از تقبل نظام حکومتی‌ای که پذیرفته، راه تعالی جمعی را پیش می‌گیرد و شهروندان خود را از طریق اتفاق و اتحاد، رهگذران همان راه می‌گرداند. در طول این راه برای دستیابی به شهر آرمانی انسان‌ها، همگان، هم عقیده‌اند و راسخ؛ اما، در میزان اعتقاد و راسخ بودن خود بنابر توان‌های فردی نابرابر. در این شهر،

ملزم به زندگی با مشارکت و تعاون با یکدیگر می‌داند و پیشبرد امور مردم را محتاج به معاونت و کمک امت و ملت به یکدیگر می‌شناسد؛ به این ترتیب ضرورت زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که با یکدیگر تسالم کنند (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۱: ۴). هم‌چنین ضابطهٔ مصلحت عمومی که مفهوم بنیادین فلسفه یونانی است، در نزد فارابی جای خود را به تعاون در جهت وصول به سعادت می‌دهد، اما نباید چنین پنداشت که فارابی در عمل توجهی به مصلحت ندارد. فرض بر این است که در مدینهٔ فاضله مصلحت عمومی به بهترین وجه تأمین می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۹: ۱۲).

در واقع در نظام روابط میان فردی و اجتماعی در مدینهٔ فاضلهٔ فارابی، هر شخص به اعتبار نقشی که در شبکهٔ فضایی ارتباطات کاربردی اجتماعی به عهده گرفته است، در جای خود مستقر می‌شود و استمرار استقرارش، از سوی هیچ پدیده یا رویدادی جز آن چه زادهٔ آگاهی و تسلط وی بر امور مربوط به محیط وی است، تضمین نمی‌شود. فارابی عنان راهبری امت را در مدینهٔ فاضله به دست کسی می‌سپارد که رییس اول نام دارد؛ او تصدی هدایت جامعه را به عهده دارد. هم‌چنین بیش‌ترین مسئولیت‌ها در امور روزمرهٔ زندگی انسان‌ها بر عهدهٔ اوست و در نهایت شکلی اصیل را برای برگزاری روابط میان فردی و اجتماعی مدینهٔ فاضله بنا می‌نهد. در نقش فضای مکانی در تحولات فردی- اجتماعی، وجود دو نوع فضای مکانی را می‌توان در اندیشه‌های فارابی یافت. نوع اول، فضای زندگی روزمره و یا محیط طبیعی- مسکونی مردمان و نوع دوم، فضای تجربی آنان است. فضای زندگی روزمره نزد اهالی مدینهٔ فاضله از راه بررسی نظام اجتماعی آنان قابل شناخت است. فضای مکانی، در گسترهٔ فضای زندگی، از اندازهٔ خاصی که فراتر از وابستگی‌های کاربردی در رابطه با طبیعت بوم‌شناختی سرزمین است و غیر از روابط کاربردی فردی- اجتماعی متحول و جاری میان مردمان تعیین و تحدید نمی‌شود (فلامکی، ۱۳۸۵).

اندیشه اجتماعی و شهری ابن خلدون

ابن خلدون بر اهمیت اجتماع شهرنشینان در پیدایش تمدن، تأکید بسیار زیادی دارد. مفهوم اساسی در فلسفهٔ اجتماعی و تحلیل انسان‌شناختی ابن خلدون «عصبیت» است که باید آن را به قومیت و پایه و اساس آنچه بعدها «ملیت» نام گرفت نزدیک کرد. عصبیت به باور ابن خلدون، سبب انسجام یافتن درونی و همبستگی میان اعضای جامعه و ضربه‌ناپذیری آن است. او مذهب را عامل مهمی برای تضمین وفاداری لشکریان می‌داند. از نظر وی برای رتق و فتق امور جامعه و مدیریت شهری فقط استفاده از قوانین دینی کافی است؛ زیرا معتقد است به کارگیری قوانین تنظیم‌شده از سوی بشر، زمینه را برای فساد شهرنشینان فراهم می‌کند. اشکال اساسی در این است که وی نمی‌گوید چه کسی و با چه ویژگی‌هایی باید اداره امور شهر را در دست گیرد (ابن خلدون، ۱۳۷۷: ۲۵۳-۲۵۱).

او مذهب و دین رسمی را عامل اساسی و انکارناپذیر در شکل‌گیری فرهنگ مردم ساکن در شهرها می‌داند. هم‌چنین ابن خلدون در میان نوشته‌های خود به نقد انواع ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی شهرنشینان می‌پردازد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

ویژگی‌های اقتصادی: نکوهش اصل تجمل‌خواهی و کسب ثروت، روی آوردن به معیشت‌های انگلیسی، رواج کارهای دلالتی، وجود اسراف و تبذیر، بالا بودن هزینهٔ زندگی در شهر (غلام عادات خود شده اند)، رقابت ناسالم بین افراد در جهت دست‌یابی به پست و مقام، حاکمیت رشوه‌خواری و کسب مال حرام، افزایش هزینهٔ طبقات به علت تجمل‌خواهی آن‌ها، مذموم شمردن موقعیت اجتماعی شهرنشینان به علت وجود روابط اقتصادی ناسالم بین آن‌ها، تنظیم روابط اجتماعی بین شهرنشینان براساس موقعیت اقتصادی و عدم شکل‌گیری روابط براساس اصول انسانی و اجتماعی.

ویژگی‌های اخلاقی: کم‌رنگ شدن اصول اخلاقی حسنه میان شهرنشینان، کم‌رنگ شدن مسائل قومی در بین شهروندان و دوری گزیدن از یکدیگر، شیوع انواع فسادهای اجتماعی در بین شهروندان نظیر دروغ‌گویی، رباکاری و... بی‌توجهی به ضوابط و احکام دینی از سوی شهروندان و نادیده انگاشتن آن‌ها، رواج سیر نزولی ارزش‌های اجتماعی در بین شهروندان، نادیده انگاشتن ارزش‌های اخلاقی گروه‌های مختلف قومی از سوی شهروندان و یک دست شدن رفتارهای اجتماعی شهروندان.

ویژگی‌های فرهنگی: کم‌رنگ شدن شعائر دینی در شهرنشینان به علت فساد طبقه حاکم، ناتوانی شهرنشینان در برخورد با عوامل فرهنگی مخرب، از بین رفتن ارزش‌های دینی و فرهنگی پسندیده در شهرنشینان، کم‌رنگ شدن امور معنوی در مقابل مسائل مادی، عدم ادراک مراتب روحانی و معنوی دانشمندان و فرهیختگان از طرف ساکنان شهر، عدم احساس تعلق به مکانی خاص از سوی شهروندان و در نتیجه رها کردن شهر در هنگام بروز خطر، سست شدن بنیان‌های فرهنگی شهر به علت تقابل طبقات اجتماعی با یکدیگر (بیشین: ۱۲۹-۱۱۹).

اندیشه‌های اجتماعی خواجه نصیرالدین طوسی

از میان آرای خواجه نصیرالدین طوسی، اندیشه‌های اجتماعی وی یکی از مباحثی است که با نظر بسیاری از جامعه‌شناسان و شهرشناسان امروزی قرابت بسیاری دارد. در دیدگاه خواجه نصیر «وجود نوع بشر بی معاونت صورت نمی‌بندد و معاونت بی اجتماع محال است. پس نوع انسان بالطبع محتاج به اجتماع است؛ و این نوع اجتماع را تمدن نامیده است، و تمدن مشتق از مدینه است، و مدینه موضع اجتماع اشخاصی است که به انواع حرفه‌ها و صناعت‌ها مشغول‌اند» (طوسی، ۱۳۶۴). وی در بحث اصالت جامعه، با اشاره به وجود قوانین ویژهٔ جامعه - به لحاظ آن‌که وجود حقیقی دارد- تأکید می‌کند که این صورت جدید و آثار خواست جامعه (خاصیت) و قوانین مخصوص به جامعه

- که خواجه آن را حکم نامیده- همان آثار افراد یا قابل تحویل به آنها نیست، بلکه اموری است که در پرتو زندگی اجتماعی پدید می‌آیند. وی عوامل مؤثر در تشکیل اجتماع را عامل زیستی و میل به کمال خواهی می‌داند. خواجه نصیر الدین طوسی به صراحت تعاون (همکاری مبتنی بر مساوات و عدالت) را تنها ضامن نظم و اعتدال در جامعه و تأمین نیازهای طبیعی انسان می‌خواند؛ به نحوی که عدم تحقق آن به بی نظمی و اختلال در جامعه و حتی نابودی نوع انسان منجر می‌شود. توجه وی به نظم، تعاون و همبستگی اجتماعی تا حدی است که بقا و استمرار هر ملت، حکومت و مدنیته را در گرو آنها می‌داند و زوال و فروپاشی آنها را با توجه به این عامل مهم تحلیل می‌کند. به نظر وی نظم، تعاون و همبستگی از راه تقسیم کار میسر می‌شود و رعایت عدالت، ضامن استمرار تعاون در جامعه است.

هم‌چنین به نظر خواجه تنها راه تحقق تعاون در جامعه تقسیم کار میان افراد جامعه است. البته این تقسیم کار باید به نحوی باشد که همگان به یک صنعت مشغول نشوند، بلکه هر یک شغل و حرفه‌ای جداگانه به عهده گیرند. به طور خلاصه، او بر این عقیده است که کارکرد تقسیم کار و تخصص، ایجاد امکان تعاون و همکاری بین آحاد جامعه و در نتیجه، تحقق نظم و تعادل در امور جامعه است. وی برای لزوم تخصصی شدن مشاغل سه دلیل ذکر می‌کند، که به نحوی با مسأله‌ی مهم مورد نظر او، یعنی تحقق هر چه کامل‌تر تعاون در جامعه مرتبط است.

اول آنکه طبع افراد، از نظر استعداد و تناسب برای اشتغال به مشاغل مختلف تفاوت دارد.

دوم آنکه با تمرکز در یک حرفه خاص، شخص در دراز مدت تجربه و مهارتی در سطح عالی کسب می‌کند و در مقابل، چند شغلی بودن.

سوم آنکه ممکن است دو یا چند حرفه وقت معینی برای خود داشته باشند و اشتغال شخص به حرفه‌هایی این چنین که وقت خاص آنها با هم تداخل دارد، موجب بازماندن فرد از یکی از آنها شود و موجب مفقود شدن حلقه‌ای از زنجیره تعاون در جامعه گردد (پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۱۶-۱۰۲).

کارکرد مهم تقسیم کار، بقا و انسجام جامعه، همبستگی اجتماعی و احساس الفت و محبت میان افراد جامعه است. «دورکیم در این زمینه معتقد است که صرف تفاوت و عدم تشابه میان افراد، موجب جذب افراد به سوی یکدیگر و پیدایی الفت و همبستگی میان آنان می‌شود» (دورکیم، ۱۳۹۳: ۱۵). به نظر خواجه نصیر، محبت موجب اتحاد و همبستگی میان افراد و مانع از هم گسستن پیوندهای اجتماعی می‌شود. بنابراین، قوام جامعه به وجود این عامل بستگی دارد. نکته شایان گفتن این است که وجود تفاوت‌ها و نقایص در افراد و احساس نیاز به یکدیگر، به تنهایی موجب محبت میان آنان و در نتیجه، باعث اتحاد و

همبستگی اجتماعی نمی‌شود و وجود امر یا اموری مشترک میان آنان، در تحقق محبت ضروری است. قواعد اجتماعی نیز در نظر او، اموری قراردادی است که کارکرد مهم آن ایجاد نظم در امور جامعه است؛ البته این قواعد اموری نسبی هستند و در اقوام و ملل و در دوره‌های زمانی مختلف، تفاوت دارند. خواجه نصیر این قواعد قراردادی را بر حسب منشأ و سبب قرارداد، به دو بخش آداب و رسوم، و قانون تقسیم می‌کند. آداب و رسوم، آن دسته از قواعد است که بر اثر توافق آحاد جامعه یا جماعتی بر آن پدید آمده است. قانون نیز، آن است که با پشتوانه تأیید الهی و به دست شخصی هم چون پیامبر یا امام معصوم ارائه می‌شود. این قوانین که وی از آنها به ناموس الهی تعبیر می‌کند، علاوه بر احکام فردی و عبادات، قوانین اجتماعی را نیز شامل می‌شود.

خواجه نصیر الدین طوسی در ضمن بیان نیاز زندگی اجتماعی، به قانون و دولت به عنوان مجری قانون، و به انحرافات اجتماعی و علل بروز آن و لزوم نظارت بر رفتار اجتماعی و تنظیم و کنترل آن اشاره می‌کند. به نظر وی، گرچه انسان‌ها بالطبع به زندگی اجتماعی محتاج هستند و برای ادامه زندگی خود در فرایند تعاون و همکاری شرکت می‌کنند، در اعمال و رفتارهای خود انگیزه‌های متفاوتی دارند و مقاصد و اهداف گوناگونی را مد نظر قرار می‌دهند که بیش‌تر جنبه فردگرایانه دارد. اگر این فردگرایی مجال بروز کامل یابد، جامعه به سوی ظلم و تجاوز، کشمکش بین افراد و از هم گسیختگی پیش می‌رود و نظام معیشت به مخاطره می‌افتد.

به نظر خواجه، اجرای عدالت به منظور کنترل رفتار اجتماعی و حفظ نظام امور جامعه است، ولی با وجود محبت در جامعه، زمینه نیاز به اجرای عدالت که همان خروج از مسیر تعاون و همبستگی است، از بین می‌رود. به عبارت دیگر، محبت در رتبه، مقدم بر کنترل اجتماعی است و با وجود آن نیازی به کنترل در جامعه وجود ندارد (آزاد ارمکی، ۱۳۹۲).

به طور کلی با مقایسه دیدگاه فارابی، ابن خلدون و خواجه نصیر الدین طوسی می‌توان گفت که شهر از نظر فارابی نیاز به رهبری دارد که دارای بصیرت، شناخت و آگاهی باشد. در اندیشه ابن خلدون قومیت و عصبیت سبب انسجام درونی و همبستگی اعضا می‌شود و قوانین دینی در اداره شهر نقش انکارناپذیری دارد. در نظر خواجه نصیر الدین طوسی نیز تعاون، تقسیم کار اجتماعی و هنجارها و قوانین از مهم‌ترین اصول انسجام و همبستگی اجتماعی در شهرها هستند.

برخی از ویژگی‌ها و آموزه‌های شهر دوران اسلامی جهان‌بینی اسلامی

جهان‌بینی اسلامی راه و روش‌هایی دارد که مبتنی بر وحی است و شامل شریعت، عرفان، عدالت اجتماعی، توحید و یکتاپرستی و سلسله مراتب است. شریعت بیان‌گر رابطه انسان،

| تعالیم | مصادیق |
|-------------------|--|
| حقوق همسایگی | اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْبُحْتَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ. (پيامبر اکرم، ۳۶/نسا) |
| قاعده لاضرار | لَا ضَرَرَ وَ لَا إِضْرَارَ فِي الْإِسْلَامِ، فَالْإِسْلَامُ يَزِيدُ الْمُسْلِمَ خَيْرًا وَ لَا يَزِيدُهُ شَرًّا. (پيامبر اکرم) |
| تفکر | وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. (۵/جاثیه) |
| هدایت | إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. (۹/اسرا) |
| مقیاس انسانی | وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَ فَضَّلْنَا هُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا. (۷۰/اسرا) |
| عدم اسراف و تبذیر | كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (۳۱/اعراف) |
| تقوا | فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (۱۰۰/مائد) |
| دوری از ریا | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَطْلُبُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ. (۲۶۴/بقره) |
| آزادی | لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ. (۲۵۶/بقره) |
| مهمان نوازی | لَا يَضِيفُ الضَّيْفَ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ. (پيامبر اکرم) |
| امانت داری | إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا. (۵۸/نسا) |
| انفاق و نیکو کاری | الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (۲۷۴/بقره) |

مأخذ: قرآن کریم، نهج الفصاحه

تیتوس بورکهارت که در زمینه هنرهای زیبا در تعالیم مسلمانان، جهان‌شناسی سنتی و علم جدید تحقیقات فراوان انجام داده است، منشأ هنر اسلامی را در توجه به توحید، عدل و کرم خداوند می‌داند که به صورت وحدت، توازن و تکرار در هنر اسلامی نمایان است. او معتقد است برای احیای هنر اسلامی ابتدا باید علت افول را یافت تا دوباره از همان طریق آن را زنده کرد. هم‌چنین او به هنر اسلامی نه هم چون شیء بلکه به مثابه یک روش نگریسته است. با توجه به این دیدگاه، بورکهارت اصول شهر اسلامی را به صورت زیر صورت‌بندی کرده است:

عدل: او عدل را از صفات اولیه و بنیادین الهی عنوان کرده که بر افکار، افعال و آرای انسان حاکم است. عدل صفت اساسی برای کلیه فعالیت‌ها است. نظم مطلوب آن است که حد‌اعلای عدل در آن ملحوظ باشد. در نگاه او عدل نقش مهمی در ایجاد مطلوبیت، کارایی و بازدهی دارد.

شان انسانی: قرآن کریم اشارات فراوانی به مقام انسان دارد و محیط مصنوع نیز باید به‌طور پیوسته بر مقام انسان تأکید کند و عاری از انحطاط و تحقیر باشد. در محیط عواملی که متضاد با شان انسان هستند باید حذف شوند و کلیه مصنوعات در رشد و تعالی انسانی به کار روند. بدین ترتیب ابعاد و تناسب فضاهای

جامعه و خداوند است که شامل اقتصاد (دربرگیرنده سیاست‌های مالیاتی است مانند زکات، خمس، اقطاع و جزیه)، قوانین (قوانین تجارت، بازار و محتسب)، قانون‌مندی‌های اجتماعی (امانت‌داری، انفاق، نیکوکاری، مشورت و سخاوت)، محیط‌زیستی (پاکیزگی و حفاظت) است. عرفان شامل علم و عمل است و منظور از علم تبلیغ دینی و عمل نیز به معنای امر به معروف و نهی از منکر و آموزش دینی است. هم‌چنین، عدالت اجتماعی دربردارنده نیکی، برادری، برابری، اخلاص، استقامت و زهد است. توحید و یکتاپرستی به معنای یگانگی، وحدانیت، ایمان، آخرت، انتظار و اندیشیدن است؛ و سلسله مراتب در مشاغل، فضاها، عملکردها و اداره امور مورد توجه است.

به طور کلی وحی سبب پیدایش دینی به معنای قانون، شریعت اخلاقی و اجتماعی شده است و شهر اسلامی، شهری متجانس، همگن، با هویت است که دین و مذهب قرن‌ها آن را حفظ کرده‌اند. در شهر اسلامی رابطه منطقی میان انسان و محیط، ایدئولوژی و محیط زیست برقرار است که دارای برنامه اصلاح فردی و اجتماعی نیز هست و تقوای فردی در نتیجه آن به تقوای اجتماعی تبدیل می‌شود. هم‌چنین جهان‌بینی اسلامی نتایجی در جامعه به بار می‌آورد که می‌توان در این موارد خلاصه کرد: پیوستن و وحدت افراد، طلب منافع جمعی، کنش جمعی واحد، پیوند افراد در سیستمی از ایده‌ها، یگانگی بین انسان‌ها با منافع مشترک، عکس‌العمل‌های اجتماعی، دسته‌بندی‌های سیاسی، جداسازی، دگرگونی و هدایت‌گری (توکلی‌نیا، ۱۳۹۵). در ساخت شهر اسلامی، فرهنگ و مذهب عناصری مهم و شکل‌دهنده به فضا بوده‌اند؛ چرا که بین کالبد ظاهری معماری با جنبه‌های روحانی حیات انسان ارتباطی برقرار است و کالبد دارای روحی است که تجلی فرهنگ و جهان‌بینی است. مذهب به‌طور کلی در شکل‌دهی به سکونت‌گاه‌ها نمادگرایانه عمل کرده است. شیوه زندگی نیز در این نوع از شهرهای مورد بحث ملهم از تعالیم اسلامی است که در جدول شماره ۳ آمده است.:

جدول شماره ۳: تعالیمی از قرآن کریم و سایر آموزه‌های اسلامی

| تعالیم | مصادیق |
|-----------------|---|
| توحید | وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا. (۱۰۳/آل عمران) |
| صلح و عدل | وَ اَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. (۹/حجرات) |
| مشارکت | وَ أَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ. (۳۸/شوری) |
| طبیعت | تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أَمْكُم. (نهج الفصاحه/۴۹۹) |
| امنیت | رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرِ. (۱۲۶/بقره) |
| هماهنگی و تعادل | وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (۱۴۳/بقره) |

برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری شهری

«یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ارکان هویت‌ساز در همه ابعاد فرهنگی و انسانی جامعه را باید زیبایی‌شناسی آن جامعه دانست. زیبایی‌شناسی از یک سو نمود ظاهری و معرف و معلول ارزش‌های زیربنایی فرهنگ است و از سوی دیگر خود علت و عامل شکل‌دهنده به هویت آینده است و برای هر تحول فرهنگی نقش اصلی و زیربنایی دارد. فرهنگ معین زیبایی را حالت و کیفیت زیبا تعریف می‌کند و می‌نویسد: نظم و هماهنگی‌ای که همراه عظمت و پاکی در شیء وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک می‌کند و لذت و انبساط پدید می‌آورد و آن امری است نسبی» (نقره کار، ۱۳۹۵: ۵۲-۵۱).

زیبایی‌شناسی و هنر در بستر عرفان و تصوف اسلامی

در حکمت اسلامی بنیاد مبانی نظری هنر بر علوم حضوری و شهودی به زیبایی است و به همین جهت عرفان که در صدد دستیابی به چنین لایه‌ای از دانش است نقش اصلی در آن دارد. هنر در عالم اسلام در بستر تصوف و عرفان رشد کرده است. از این رو، توجه به دو تقسیم‌بندی عرفا از دین ضروری است. در تقسیم‌بندی نخست دین دارای سه جنبه شریعت، طریقت و حقیقت دانسته می‌شود که به ترتیب به ظاهر، باطن و باطن باطن دین اشاره دارد. از نگاه عرفانی در این تقسیم‌بندی هنرمند اهل طریقت است و آنچه اساساً موضوعیت دارد نه شخص هنرمند که اصناف هنرمندان است. در مقابل، در دیدگاه مدرن، اثر هنری در واقع به دلیل بیان هیجان‌های درونی و احساسات شخصی هنرمند اهمیت دارد و از همین جنبه بیانگری و نمایش به آن نگریسته می‌شود (پیشین: ۸۵). در این میان هنر اسلامی به طبیعت بکر و به ویژه بیابان شباهت دارد؛ اگرچه به اعتباری دیگر نظامی که هنر می‌آفریند با بی‌نظمی و آشفتگی بیابان منافات دارد. فراوانی تزیینات در هنر اسلامی به هیچ روی مغایر با کیفیت خلأ نیست که فکر و تأمل را به همراه دارد. برعکس، عمل تزیین با صور انتزاعی به واسطه وزن و آهنگ ناگسسته بر کیفیت این خلأ می‌افزاید. از این رو، به جای آن که ذهن را به بند کشد و آن را به جهان خیالی رهنمون شود، قالب‌های ذهنی را در هم می‌شکند (بورکهارت، ۱۳۷۸: ۱۰).

در زمینه زیبایی‌شناسی در آیات و روایات اسلامی، قرآن سرچشمه زیبایی‌ها را خداوند و صفات او می‌داند و زیباترین زیبایی صادر شده از او، انسان است. پس از انسان سراسر طبیعت نشانه‌هایی زیبا از زیبای مطلق هستند. به زبان قرآن راز زیبا شدن حقیقی رنگ خدا گرفتن است. «صبغه الله و من احسن من الله صبغه، همه جا به رنگ خداست و چه کسی رنگش زیباتر از رنگ خدایی است» (۱۳۸/ بقره) (نقره کار، ۱۳۹۵: ۱۳۷-۱۳۶).

مشکله در شهر مسلمانان فشاری را بر انسان تحمیل نمی‌کند و القاکننده آرامش، تعادل و توازن است. برای مثال انسان در هنگام حرکت در بافت‌های تاریخی احساس آرامش دارد و این حس آرامش را باید در معابر عمومی و فضاهای شهری نیز داشته باشد. **هویت:** در نظر بورکهارت توجه به هویت انسان در جهت اهمیت دادن به شأن انسانی و زمینه‌ساز رشد و تعالی او است. آثار معماری مسلمانان در شهرهای آنان بیان‌گر هویت انسان‌ها است که محیط زندگی به گونه‌ای آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. برای مثال مساجد، بقاع متبرکه، مسکن، مدارس، بازارها و مجموعه‌های شهری گونه‌ای خاص از اصول و ارزش‌ها را به ناظر القا می‌کند. هم چنین عمارت‌ها و تک بناها در بافت‌های شهری هویت خاص خود را دارند.

زیبایی: در این جا منظور از زیبایی کمال و خیری است که تجلی صفات الهی است و با شکل دادن مواد و مصالح، عالم روحانی و معنوی را به ناظر نشان می‌دهد. بنابراین پاکی، طهارت و ارتقای کیفی معماری در شهر اسلامی اهمیت فراوانی دارد.

تذکر: تذکر به معنای ذکر خداوند است که در شهر اسلامی با جای‌گیری حسینیه‌ها، تکایا و مساجد در طول معابر و تقاطع راسته‌ها نشان از زنده نگه داشتن ارزش‌ها، تذکر مداوم و مکرر داشته است. خطاطی، کاشی‌کاری، آجرکاری و گچ‌بری از نظر بورکهارت ریشه‌ای روحانی است که در زندگی مردم جاری شده است. هم چنین مجاورت عناصر طبیعی با عناصر مصنوعی در شهر به معنای تذکر است.

وحدت: یکپارچگی، جامعیت و کلیت در شهر اسلامی دلیلی بر وجود خالق یکتا است. در واقع وحدت در اجزا و عناصر و کل هر عمارت و به طور کلی در کالبد شهر موجود است و بیان‌گر وحدت بین انسان، طبیعت و معماری است (توکلی‌نیا، ۱۳۹۵).

هویت کالبدی شهر اسلامی شامل عناصری است که هرکدام منشأ خاصی دارند که نشان‌گر موضوعی خاص و برگرفته از آیین مقدس است. کالبد شهر اسلامی دارای ویژگی‌های خاصی است که شکل منسجمی از معماری را ارائه می‌دهد و غرق در ایمانی است که معیارها و قوانین زندگی در آن حاکم است. این عناصر شامل بازار، ارگ، مسجد، محله، مدارس، شبکه خیابانی، گرمابه، دیوار و نمای خارجی هستند. این کالبد پارادوکسی میان شکوه و سادگی را نمایش می‌دهد. در ساخت و سازها گاهی بیهودگی و فزون‌خواهی آدمی بر باورمندی خدایی وی چیره شده و شکوه‌خواهی نیز بر پاکیزگی پیشی گرفته است. هم چنین مفهوم تناظر در شهر اسلامی، انسان را هدف شهر اسلامی می‌داند و به تبع ابعاد وجودی انسان-روح و جسم- است که شهر اسلامی متناسب با انسان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد (بابایی سالانقوج و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۱۷).

نگرش به طبیعت در نظریه‌های فلاسفه و حکمای غربی و اسلامی

در زمینه نگرش به طبیعت در نظریه‌های فلاسفه یونان قدیم و اروپای معاصر، علاقه افلاطون به نظم طبیعت در جهان که به وسیله خدا آفریده شده است تنها به ماده اشیا محدود نمی‌شود، بلکه به صورتی که در آن اشیا منعکس کننده هستند معطوف است. این صور هستند که از طریق روح عالم که در جسم تمام دنیا جاری است به طبیعت نظم می‌بخشند. در دیدگاه آگوستین قدیس، طبیعت سراسر خیر و خوبی است. اما در این میان نگاه مکانیکی رنه دکارت جهان را هم چون یک ماشین می‌بیند. جمله معروف رنه دکارت این است: بُعد و حرکت را به من دهید، جهان را می‌سازم. از نظر جان استوارت میل رسالت انسان امروز تسلط و سود جستن از طبیعت است. در جهان‌بینی بودایی طبیعت هدف نهایی انسان است (پیشین: ۱۹۷). اما طبیعت از نگاه فلاسفه و حکیمان مسلمان همچون ابوعلی سینا نیروی الهی برای به حرکت درآوردن موجودات به نظام احسن است. در نگاه ابوریحان بیرونی نیز طبیعت دارای قدرت خلاق و برنامه منظمی است. هم چنین از دیدگاه اخوان الصفا طبیعت ساخته دست خداوند است و دارای سود و فایده برای همه است. در نگاه ابن عربی نیز انسان باید براساس حق طبیعت باید با آن ارتباط داشته باشد. از طرفی در حکمت صدرایی روح و حیات انسان ثمره حرکت جوهری جسم (طبیعت) است. در نگاه دکتر نصر، طبیعت مقدس نیست ولی مری اخلاقی انسان و محل آرامش او است. همچنین نگرش‌های فلسفی در رابطه معماری با طبیعت را می‌توان در چهار الگوی کلی دسته‌بندی کرد: مکتب طبیعت‌ستیزی و رویارویی با آن، مکتب طبیعت‌گریزی و جدایی از آن، مکتب طبیعت‌گرایی و هماهنگی با آن و در نهایت مکتب آباد کردن طبیعت و تکمیل آن. پس بنا بر گفته دکتر نصر، معماری و شهرسازی اسلامی نیز در مسیر خود همواره همراه و هماهنگ با طبیعت بوده است (پیشین: ۲۰۵).

معماری از منظر حکمت اسلامی

به طور خلاصه چهار رویکرد صاحب نظران به معماری سنتی اسلامی ایران شامل کالبدپردازی در معماری سنتی ایران، محتوا و معناپردازی در معماری سنتی ایران، هم‌ترازی محتوا و معنی در معماری سنتی ایران و در نهایت برتری محتوا بر کالبد در معماری سنتی ایرانی است. در رابطه با رویکرد آخر افرادی بر این باورند که معماری ایران در گذر زمان با اتکا به باورهای بنیادین دینی و ارزش‌های فرهنگی به پیش رفته است و جستجوی ارزش‌ها، معانی و مفاهیم نهفته در فضاها و کالبدهای این معماری، امری واجب و بدیهی شمرده می‌شود. در برابر این رویکردها مهم‌ترین مفاهیم بنیادی در معماری دوران اسلامی سه مفهوم بنیادی به عنوان پایه‌ای در نظر گرفته می‌شوند که هنر و معماری با راه‌های گوناگون به

بیان کالبدی آن مفاهیم می‌پردازند. این سه مفهوم به این شکل قابل بازگویی هستند، مفهوم سیر از کثرت به وحدت که شعار مهم توحید و خداپرستی است، مفهوم سیر از ظاهر به باطن که شعار مهم معاد در اسلام است و مفهوم سیر به اهداف متعالی زندگی که هر دو جنبه فوق را در نظر می‌گیرد (پیشین، ۱۳۹۵). اما در این میان یکی از مفاهیم اساسی در معماری اسلامی وحدت است. وحدت در معماری اسلامی مفهومی بنیادین دارد و اگرچه وحدت خود یک حقیقت عینی است اما به نظر انسان یک مفهوم ذهنی و انتزاعی است. اسلام مبتنی بر توحید است و وحدت را نمی‌توان با هیچ تصویری نمودار ساخت و بیان کرد. لکن به کار بردن تصویر در هنر اسلامی به کلی منع نشده است. به طور کلی معماری اسلامی متمایل به وضوح، اعتدال و متانت است (بورکهارت، ۱۳۴۶).

همچنین در زمینه تاثیر آموزه‌های اسلام بر معماری و شهرسازی دوران اسلامی، مهم‌ترین تاثیر حکمت عملی اسلام درباره خانه توصیه به گزینش همسایگان پیش از گزینش جای خانه، توصیه به حریم داشتن خانه، پرهیز از اشراف متقابل خانه‌ها، پرهیز از هر نوع مزاحمت همجواری بین خانه‌ها و فضاهای عبوری و عمومی، ضرورت ایجاد فضاهایی مناسب برای پذیرایی مهمانان، توصیه به زیباسازی و زیبایی و دوستی، توجه به اصول صرفه‌جویی و عدم اسراف و تجمل‌گرایی، داشتن حریم کامل از خانه‌های اطراف، متانت، سادگی و هماهنگی با خانه‌های اطراف است (نقره کار، ۱۳۹۵: ۳۷۵). مهم‌ترین تاثیرات حکمت عملی اسلام در مورد محله نیز توصیه اکید به خوش رفتاری و هم‌نشینی، ارزش‌گذاری فضاهای یک محله، پرهیز از مزاحمت سواره بر پیاده، توصیه به برآوردن نیازها اجتماعی ساکنین، پرهیز از نوع مزاحمت متقابل فضاهای عمومی و خصوصی، توصیه به رعایت تقوا بین زنان و مردان در فضاهای عمومی است (نقره کار، ۱۳۸۵).

با اتکای به مبانی نظری پشتیبان پژوهش، مفاهیم و اصول مشترک میان نظریه‌ها و بنیادها و مصادیق آن‌ها در ۵ مقوله در جدول شماره ۴ دسته‌بندی شده است.

معرفی رهیافت‌ها

در این پژوهش با توجه به هدف مطرح شده، رهیافت‌های گوناگونی به شهر ایرانی- اسلامی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند. این رهیافت‌ها با توجه به عوامل متشکله، فضا و کارکردهای شهر ایرانی- اسلامی در ۳ گروه منسجم فکری و یک گروه متفرقه دسته‌بندی شده‌اند. رهیافت اول با عنوان «شهر و مهندسی ایرانی» از دیدگاه محمد بهشتی شیرازی، رهیافت دوم با عنوان «شهرپژوهی جغرافیایی و سرچشمه‌های جهان‌بینی» از دیدگاه مصطفی مؤمنی، رهیافت سوم با عنوان «شهر و فضای تفکر اسلامی» از دیدگاه محمد نقی زاده و در نهایت رهیافت آخر، شامل مجموعه‌ای از نظریه‌های مختلف در شهر ایرانی- اسلامی از

دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشه‌مندان حوزه‌های گوناگون مطالعات شهری اعم از حسین نصر، پرویز پیران، نادر اردلان، لادن اعتضادی و محمدحسین شریف‌زادگان است که با عنوان «مجموعه‌ای از نظریه‌های متفرقه در شهر ایرانی-اسلامی» مطرح است.

جدول شماره ۴: تقسیم‌بندی مفاهیم و اصول مشترک در نظریه‌های پژوهش و بنیادها و مصادیق آن‌ها

| بنیادها و مصادیق | زیر مقوله | مقوله |
|------------------|--|---|
| اجتماعی- فرهنگی | فرهنگ، ارزش و قوانین حاکم بر جامعه | تعاون، محبت، کمال‌خواهی، مشارکت، وحدت، امنیت، حقوق همسایگی، دوری از ریا، تقوا، صرفه‌جویی، مهمان‌نوازی، برادری، سخاوت، آزادی، امانت‌داری، انفاق، نیکوکاری، اخلاص، استقامت، ایمان، ذکر و تذکر (عرفان نظری)، آموزش، زیبایی، امر به معروف و نهی از منکر |
| | تقسیم کار | عدالت فضایی، همکاری و همبستگی، نبود تضاد طبقاتی |
| | تعالی جمعی و روابط اجتماعی با اصول انسانی | امت، اصناف و بازاریان، محله و تفکیک بر مبنای قومیت، مذهب و.. |
| کالبدی | آموزش و پرورش | مدرسه، مسجد جامع، اصناف |
| | سلسله مراتب کالبدی | شکل‌گیری سلسله مراتب فضایی، سلسله مراتب در مشاغل، فضاها، عملکردها و اداره امور |
| | ایجاز | تجلی فرهنگ و جهان‌بینی در کالبد، برتری محتوا بر کالبد در معماری اسلامی |
| | تمرکز | شکل‌گیری فضاهای عمومی، تعاون، همبستگی، محبت اجتماعی، فضای تجربی شهر، گردش اندیشه‌ها بین مردم سیر به اهداف متعالی در معماری شهر اسلامی |
| | سادگی و شکوه | متانت و سادگی معماری اسلامی، جلوه شکوه در بناهای معماری اسلامی، عدم تجمل‌خواهی |
| | فضای خصوصی منفک از فضای عمومی | خانه و مسکن شخصی، فضای زندگی روزمره |
| | محرمت و محصوریت و درون‌گرایی در مسکن | پرهیز از مزاحمت متقابل فضای عمومی و خصوصی، عدم اشراف |
| | ذکر و تذکر (رعشه روحانی در زندگی) | مسجد، حسینیه، تکیه، سقاخانه |
| | ارگ | رهبری امت و وجود حاکم مسلط، اداره شهر توسط حاکم، داروغه و کلانتر |
| | فقہ و شریعت اخلاقی | مالیات، خمس، زکات، اقطاع، جزیه (ارتباط بین انسان، جامعه و خدا) |
| اقتصادی | وقف | عرفان نظری (ذکر و تذکر) و عرفان عملی (فقر زدایی و انفاق در راه خدا)، نهاد مدنی |
| محیط زیستی | طبیعت مربی اخلاقی انسان و محل آرامش او، صرفه‌جویی، تجلی فرهنگ و جهان‌بینی در کالبد | باغ ایرانی، فضای سبز در شهر اسلامی، طبیعت و اهمیت آن در اسلام، طبیعت‌گرایی معماری اسلامی و هماهنگی با آن، هم‌چون ساخت قنات و بادگیر (معماری بر مبنای مصالح بومی و قوانین معماری گذشته) |



نمودار شماره ۲: رهیافت‌های مورد بررسی در پژوهش

جدول شماره ۵: رهیافت‌های مورد بررسی در باره شهر ایرانی - اسلامی

| رهیافت‌ها | عوامل متشکله | فضای شهر ایرانی - اسلامی | کارکردها |
|--|--|--|---|
| شهر و مهندسی ایرانی (محمد بهشتی شیرازی) | <p>۱- مهم‌ترین رکن شکل دهنده آبادی‌ها در ایران آب است،</p> <p>۲- خانه عنصری مهم در شهر ایرانی است،</p> <p>۳- خیابان دیگر عنصر مهم در شهر ایرانی است،</p> <p>۴- میدان نیز یکی از عناصر اصلی شهر ایرانی است،</p> <p>۵- مهندسی ایرانی در شهر لازمان و حبس در مکان است،</p> <p>۶- شهر ایرانی در ویژگی‌های کالبدی خود دارای مظاهر فرهنگی است،</p> <p>۷- هویت فرهنگی - تاریخی در شهر سرمایه اصلی به جای سرمایه نفتی است،</p> <p>۸- مهندسی ایرانی و ساخت شهر در جهت بالفعل کردن منابع بالقوه است،</p> <p>۹- میراث طبیعی یعنی محیط زیست از ارکان اصلی شهر است.</p> | <p>۱- مشاهده فرهنگ ایرانیان از مجرای آب از مباحث عینی فنون زراعت تا عمیق‌ترین لایه‌های دینی برای مثال اسطوره ناهید و ارتباط آن با آب، واقعه عاشورا، داستان دختر پیامبر و نسبتی که آب و تشییع با هم دارند،</p> <p>۲-۳-۴- کیفیت حیات مدنی شهر، جریان حیات مدنی مبتنی بر موازین و فرهنگ دینی صورتی از کالبد را پدید آورده است (حیات مدنی دینی)،</p> <p>۵- حفظ هویت فرهنگی و روح ایرانی در شهر،</p> <p>۶-۷- آثار فرهنگی، آینه‌ای است پیش روی روح ایرانی در شهر و فرهنگ حیات اجتماعی،</p> <p>۸- شهر هم‌چون بیشه‌ای به نظر می‌رسد، برای مثال وجود شهر اصفهان در مناطق کویری ایران.</p> | <p>۱- دانش آب در مسائل آبیاری و مهندسی تا خیال نازک شاعرانه، مثلاً قنات و کاریز در مناطق خشک راه کار استفاده از آب است،</p> <p>۲- خانه محل آرامش و قرارگاه به جای آسایش،</p> <p>۳- خیابان جایی برای حضور هم‌زمان آب و درخت و انسان و نه معبر و جاده،</p> <p>۴- حیات مدنی شهر یعنی (شهروندان و مدیریت شهری) روح شهر و به همراه کالبد شهر،</p> <p>۵- رسیدن به توسعه پایدار،</p> <p>۶-۷- رسیدن به هویت واحد و احیای میراث فرهنگی که بافت تاریخی را به رکن پایدار شهر تبدیل می‌کند،</p> <p>۸-۹- توجه به توسعه فضایی و هویت و موجودیت دادن به شهر پایدار (زاینده رود رکن پایدار اصفهان).</p> |
| ر.ک: بهشتی شیرازی، (۱۳۸۷)، (۱۳۹۳)، (۱۳۸۷)، (۱۳۸۷)، (۱۳۷۹)، (۱۳۷۹)، (۱۳۸۷)، (۱۳۹۵)، (۱۳۸۰)، (۱۳۷۸)، (۱۳۹۲)، (۱۳۸۶). | | | |
| شهری‌پژوهی جغرافیایی و سرچشمه‌های جهان‌بینی (مصطفی مومنی) | <p>۱- نهاد وقف،</p> <p>۲- مسجد،</p> <p>۳- ارگ (قصر حکومتی)،</p> <p>۴- معابر شبکه‌بندی شده،</p> <p>۵- تقسیم شهر به کوی و محله‌ها و ساختمان‌سازی درون آن‌ها،</p> <p>۶- قطعه‌بندی و تقسیم‌بندی زمین‌های شهری،</p> <p>۷- بازار و وجود اصناف و راسته‌های متعدد در آن،</p> <p>۸- ساخت دروازه برای شهرها و همچنین حفر خندق.</p> | <p>۱- شکل‌گیری نوعی جامعه مدنی در شهر،</p> <p>۲- جریان یافتن معنویت در فضای زندگی شهری،</p> <p>۳- اجرای احکام و قوانین در شهر با تأکید بر اصل مجاورت کارکرد دینی و حکومتی،</p> <p>۴-۵-۶- شکل‌گیری ساختار کالبدی منظم در شهر،</p> <p>۷- ارتباط غیرمستقیم شهروندان با حکومت (اصناف نقش میانجی در مدیریت شهری داشت) و بهبود اقتصاد شهری،</p> <p>۸- حفظ امنیت در شهر.</p> | <p>۱- اهمیت اقتصادی و اجتماعی مانند کمک به نیازمندان، ساخت مدرسه، تهیه و تدارک مراسم مختلف، تأمین مسکن ارزان قیمت، کارآفرینی. اهمیت سیاسی مانند موقوفات دائمی که غیرقابل انتقال و برای کارکردها و منافع مختلفی برنامه‌ریزی شده اند،</p> <p>۲- کارکرد دینی و اجتماعی،</p> <p>۳- کارکرد حکومتی و سیاسی،</p> <p>۴- کارکرد ارتباطی،</p> <p>۵- کارکرد مسکونی و اجتماعی،</p> <p>۶- پیش‌بینی افزایش جمعیت (زاد و ولد، مهاجرت)،</p> <p>۷- کارکرد اقتصادی و اجتماعی،</p> <p>۸- کارکرد دفاعی.</p> |
| ر.ک: مومنی، (۱۳۷۳) و اکارت (۱۳۸۷). | | | |
| شهر و فضای تفکر اسلامی (محمد تقی زاده) | <p>۱- فرهنگ از عناصر تأثیرگذار در ساخت شهر است،</p> <p>۲- فرهنگ در شهر به معنای عمران است،</p> <p>۳- هویت از عناصر و عوامل متشکله است،</p> <p>۴- فرهنگ هر ملتی واجد دو قلمرو فکری و ذهنی - عینی و ظاهری است.</p> <p>۵- وحدت و اتحاد،</p> <p>۶- تمدن که خود متشکل از ۳ عنصر است،</p> <p>۷- شرایط آب و هوایی، مواد و مصالح محلی و فرم سنتی، شیوه زندگی،</p> <p>۸- مذهب.</p> | <p>۱- ارتباط کالبد ظاهری معماری با جنبه روحانی زندگی انسان،</p> <p>۲- در ارتباط انسان و محیط معنا و ارزش‌هایی به او القا می‌شود که بستگی به زمینه فرهنگی دارد،</p> <p>۳- کالبد و هویت شهر بر مبنای ارزش‌های هویت ایرانی و ملهم از جهان‌بینی آنان است،</p> <p>۴- وجه فکری ریشه در یگانه‌پرستی ایرانیان دارد.</p> <p>۵- وحدت از تعالیم مهم اسلامی است،</p> <p>۶- ارتباط بین انسان و مدینه (شهر) و نوع جهان‌بینی او،</p> <p>۷-۸- شیوه زندگی ملهم از سنت زیست ایرانی و تعالیم اسلامی است؛ شامل: توحید (وحدت)، شهر صلح و عدل، مشارکت، طبیعت و اهمیت آن، امنیت، هماهنگی و تعادل، احترام به حقوق همسایگی، قاعده لاضرار، تفکر، هدایت، مقیاس انسانی (اشرف مخلوقات)، اجتناب از تذبذب و اسراف، تقوا، دوری از ریا، درون‌گرایی، محرمیت و محصوریت، سنت مهمان‌نوازی، سلسله مراتب.</p> | <p>۱- کالبد دارای روح است که تجلی فرهنگ و جهان‌بینی است،</p> <p>۲- عمران به معنای عمران مدنی (برای مردم شهر) و عمران بدوی هم برای قبایل است،</p> <p>۳- نقش عوامل بیرونی (کالبد) و عوامل درونی (ایمان و اعتقاد) در ایجاد هویت،</p> <p>۴- فرهنگ ایرانی هر چیزی را واجد معنا می‌داند،</p> <p>۵- منجر به شکل‌گیری اجتماع (Community) می‌شود،</p> <p>۶- محیط و فضای زندگی به عنوان ظرف تمدن و نمایش کالبدی اصول و ارزش‌های آن،</p> <p>۷- تعیین‌کننده مورفولوژی شهر است،</p> <p>۸- مذهب در شکل‌دهی به سکونت‌گاه‌ها نمادگرایانه عمل کرده است.</p> |
| ر.ک: نقی زاده: (۱۳۸۱)، (۱۳۸۹)، (۱۳۷۸)، (۱۳۹۰)، (۱۳۷۷)، (۱۳۸۱). | | | |

| رهیافت‌ها | عوامل متشکله | فضای شهر ایرانی - اسلامی | کارکردها |
|--|--|--|---|
| مجموعه‌ای از نظریه‌های متفرقه درباره شهر ایرانی - اسلامی | ۱- محلّه، صنف و حرفه (پرویز پیران)، ۲- اصناف در بازارهای تاریخی به همراه راسته‌های گوناگون اصناف (محمدحسین شریف زادگان)، ۳- کالبد شهر و معماری ایرانی - اسلامی که برگرفته از مکتب اصفهان و نظام اعتقادی و اجتماعی ایرانیان است (حسین نصر)، ۴- مسجد به همراه گنبد و مناره‌ها در خط آسمان (لادن اعتضادی)، ۵- باغ و حیاط در مسکن و خانه‌های ایرانی (نادر اردلان). | ۱- عملیاتی شدن عرفان (منظور در بعد اخلاقی جامعه) در فضای شهری به عنوان پایه هویت ایرانی، ۲- بهبود و رونق فضای کسب و کار (اقتصاد) و فضای اجتماعی و آموزشی، ۳- رسیدن به وحدت در عین کثرت، عدالت، رسیدن به باطن از طریق ظاهر، شکل‌گیری مفهوم امت (از آموزه‌های دین اسلام است)، ۴- مهم‌ترین نشانه شهر اسلامی (جاری ساختن معنا و معنویت در فضای مادی شهر)، ۵- صورت‌هایی از مفهوم بهشت است (شهر سبز) - (شهر سالم). | ۱- دو منبع برای اجتماعی شدن افراد، ۲- رونق تجارت، کارکرد مالیات‌گیری و نقش میانجی در مدیریت شهری، ۳- توجه به طبیعت (آب، خاک، گیاه) و رسیدن به توسعه پایدار، شکل‌گیری اجتماعات محلی، توجه به قانون‌مندی و سرزندگی شهری، ۴- علاوه بر کارکرد دینی، کارکرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز دارد، ۵- ارتباط با طبیعت که برای ایرانیان اهمیت داشته است و بیش‌ترین اشاره برای حفظ محیط زیست و طبیعت در کتاب آسمانی، قرآن است. |

ر.ک: پیران (۱۳۹۵)، شریف زادگان (۱۳۹۴)، نصر (۱۳۷۵)، اعتضادی (۱۳۷۷)، اردلان (۱۳۹۳).

یافته‌های پژوهش

در مراحل تحلیل محتوای کیفی پس از متن خوانی و مطالعه اسناد و مدارک، فشرده‌سازی بر اساس مفاهیم موجود در مبانی نظری پژوهش و استخراج جمله‌ها و پیام آن‌ها از متون، داده‌ها و مفاهیم کدگذاری شدند. از میان مفاهیم موجود در متون و نوشته‌ها سعی شده است که میانگین تعداد آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی در مقوله‌های اجتماعی - فرهنگی، کالبدی، اقتصادی، محیط زیستی و اعتقادی - معنوی، تعداد ۳۱ مفهوم به عنوان زیر مقوله دسته‌بندی شده‌اند، که در جدول زیر فراوانی آن‌ها قابل مشاهده است.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی مقوله‌های مورد بررسی

| مقوله | زیر مقوله | تعداد | درصد |
|------------------|--------------|-------|-------|
| اجتماعی - فرهنگی | امت | ۲ | ۷/۴۰ |
| | وحدت | ۴ | ۱۴/۸۰ |
| | مشارکت | ۳ | ۱۱/۱۱ |
| | حقوق شهروندی | ۲ | ۷/۴۰ |
| | عدالت | ۲ | ۷/۴۰ |
| | صلح | ۱ | ۳/۷۰ |
| | محبت | ۱ | ۳/۷۰ |
| | تقسیم کار | ۲ | ۷/۴۰ |
| | آزادی | ۳ | ۱۱/۱۱ |
| | امنیت | ۳ | ۱۱/۱۱ |
| | قوانین | ۲ | ۷/۴۰ |
| کالبدی | آموزش | ۳ | ۱۱/۱۱ |
| | مجموع | ۲۷ | ۱۰۰ |
| | زیبایی | ۲ | ۸ |
| | سادگی | ۴ | ۱۶ |
| | مقیاس انسانی | ۲ | ۸ |
| | سلسله مراتب | ۲ | ۸ |

نتیجه‌گیری

ابتدا باید یادآور شد که از مجموع مطالعات، می‌توان ویژگی‌های جامعی را برای شهر ایرانی - اسلامی تعریف کرد. این به معنای آن نیست که دیگر شهرها در سرزمین‌ها و آیین‌های مختلف ویژگی‌های مورد نظر شهر پایدار و مطلوب را ندارند. رهیافت‌هایی که در این نوشته مورد مطالعه قرار گرفته‌اند در سه گروه منسجم و یک گروه متفرقه که ادعای یک رهیافت یکپارچه را ندارند، و اجزایی از شهر ایرانی - اسلامی را بیان می‌کنند، دسته‌بندی شده‌اند. رهیافت اول با عنوان شهر و مهندسی ایرانی، بیش‌ترین توجه خود را بر ویژگی‌های ایرانی و ملی شهر، سنت‌ها و روش‌های پذیرفته شده آن معطوف کرده است. رهیافت دوم با عنوان شهرپژوهی جغرافیایی

فائق آمدن بر مسائل عصر جدید مطرح است. این شهر به گمان عده‌ای از صاحب‌نظران این عرصه، کالبدی صرف نیست، بلکه شهری است با کالبد و فیزیکی مطلوب و در خور، که در آن باطن و روحی مطلوب نهفته است و آن برگرفته از نظام ارزشی، اعتقادی و قانونی ایرانیان مسلمان در زمینه‌های مختلف فضای زندگی و هم‌چون پایدارترین شهرهای جهان است. مفاهیم مشترک استخراج شده از دیدگاه‌های گوناگون، هم در شهر ایرانی و هم در شهر اسلامی قابلیت به کارگیری، اجرا و عملیاتی شدن دارد و موجب شکل‌گیری و ظهور شهر آرمانی مد نظر می‌شود. هر کدام از این متغیرها برای اثبات خود در آیین و سنت ایرانی-اسلامی پشتوانه محکمکی دارند که در ابتدای پژوهش مطرح شده‌اند؛ این مفاهیم مشترک در جدول شماره ۷ آمده است.

پیشنهادها

در انتها می‌توان پیشنهادهایی را این گونه بیان کرد:
 - شهر ایرانی-اسلامی ذاتی پیچیده و میان رشته‌ای دارد، بنابراین علاوه بر شناخت مفهوم دقیق این شهر، برای ایجاد و آفرینش آن، باید کمبودها و نارسایی‌های موجود در جامعه و مدیریت شهری شناخته و رفع شود؛
 - برای ساخت آرمان‌شهر ایرانی-اسلامی، باید تمامی رویکردها و روش‌های مرتبط با این موضوع شناخته و تغییراتی گسترده و مطابق با روح، باطن و اندیشه (هویت) واقعی این نوع از شهر، در آرا و دیدگاه‌ها در بُعد فردی و اجتماعی ایجاد شود. هم‌چنین می‌توان برای آن منشوری در نظر گرفت تا اصول پذیرفته شده در این شهر و بایدها و نبایدهای آن برای اجرا مورد توجه قرار گیرند؛

و سرچشمه‌های جهان‌بینی، به بررسی ویژگی‌های شهرهای عربی و اسلامی در دنیای شرق پرداخته است. رهیافت سوم نیز با نام شهر و فضای تفکر اسلامی، به تأثیر آموزه‌های دینی در شکل‌گیری فضای شهری توجه دارد. هم‌چنین رهیافت آخر مجموعه‌ای از نظریه‌های متفرقه در شهر ایرانی-اسلامی در زمینه‌های گوناگون را در بر گرفته است. با مقایسه سه رهیافت اصلی با یکدیگر و پشتوانه نظری مطرح شده در پژوهش، می‌توان گفت رهیافت‌های مورد مطالعه، وجه اشتراک زیادی با یکدیگر ندارند و میزان تفاوت‌های میان آن‌ها قابل ملاحظه است؛ البته نه در تضاد با یکدیگرند و نه هماهنگ با هم. با این حال این دیدگاه‌ها تکمیل‌کننده یکدیگر هستند که هر کدام از آن‌ها وجه اشتراک با چارچوب و مبانی نظری عنوان شده دارند. این مهم دلیلی بر درستی و اثبات هر چهار رهیافت است و هرکدام در جایگاه و دید خود و هم‌چنین در صورت تلفیق با یکدیگر سازنده و ایجادکننده شهر ایرانی-اسلامی است. بنابراین پس از انجام تحلیل محتوای کیفی در هر یک از این رهیافت‌ها و دیدگاه‌ها و تلفیق آن‌ها با یکدیگر به نوعی شکل از شهر ایرانی-اسلامی می‌توان اشاره داشت که در آن روح و نه کالبد اهمیت دارد و ارزش‌ها، فرهنگ و اعتقادات است که روح شهر را ایجاد کرده‌اند؛ چرا که شهر از یک سو مهم‌ترین نقطه و مکان اتصال میان جمعیت، فرهنگ و اعتقادات و از سوی دیگر دین و ارزش‌های حاکم در آن شکل‌دهنده فضای شهری و اجتماعی است. در واقع، در شهر ایرانی-اسلامی باید با آموزش و فرهنگ‌سازی بر مبنای اعتقادات و قوانین پذیرفته شده به تغییر رفتار ساکنان در آن پرداخت؛ این امر با پذیرش از طرف ساکنان شهر امکان‌پذیر است. شهر ایرانی-اسلامی، شهری آرمانی برای

جدول شماره ۷: مفاهیم و اصول اثرگذار در شکل‌گیری شهر با روح ایرانی-اسلامی

| زیر مقوله‌ها | | |
|-----------------|--|---|
| اصول | مفاهیم | مقوله‌ها |
| اجتماعی- فرهنگی | امت، وحدت، مشارکت، حقوق شهروندی و همسایگی، عدالت و برابری، صلح و هم‌بستگی، محبت، تقسیم کار، تعاون، آزادی، امنیت، قوانین و آداب و رسوم، آموزش و پرورش | توسعه اجتماعات محلی، سبک زندگی ملهم از آیین و سنت ایرانی و اسلامی، روابط اجتماعی مستحکم، حاکمیت قوانین در ابعاد مختلف فضای شهری |
| کالبدی | زیبایی، متانت و سادگی، مقیاس انسانی، سلسله مراتب فضایی، نشانه‌های (هویتی) شهری، مسجد و گنبد، خانه و مسکن، فضای عمومی، مدرسه | کالبد ساخته شده بر طبق نظام اعتقادی و فرهنگی، کاربرد مصالح بومی و اصول معماری و هنر اسلامی، فضای خصوصی منفک از فضای عمومی (حریم و حرمت مالکیت)، مسجد با گنبد و مناره‌ها، که گنبد در مرکز بیانگر توحید است، حضور هم‌زمان انسان، آب و درخت در خیابان موجب تجلی فضای عمومی در شهر است، مدرسه و مسجد مکانی برای آموزش و پرورش است |
| اقتصادی | عدالت اقتصادی، اصناف و بازار، وقف، فقه و شریعت اخلاقی | شکل‌گیری نهاد مدنی، فقرزدایی، ایجاد سیستم مالیاتی (خمس، زکات، جزیه و...)، آموزش و پرورش، توجه به فقه و شریعت اخلاقی که بیانگر روابط میان انسان، خداوند و جامعه در مسائل اقتصادی و... است. |
| محیط زیستی | آب، باغ، فضای سبز، مهندسی ایرانی | حفظ وجه طبیعی و محیط زیستی در شهر، استفاده درست از منابع و بالفعل کردن منابع بالقوه (توسعه فضایی پایدار) |
| اعتقادی، معنوی | ذکر و تذکر، عرفان عملی، عرفان نظری | قرارگیری مسجد، حسینیه، تکایا و سقاخانه‌ها در یک جهت، که موجب خلق رعشه‌ای روحانی در زندگی روزمره مادی می‌شود، انفاق در راه خدا |

۱۱. بابایی سالانقوج، احسان؛ مسعود، محمد و محمدی، محمود (۱۳۹۳)، «تبیین یک چارچوب مفهومی برای شهر اسلامی»، **روش‌شناسی علوم انسانی**، شماره ۸۰، پاییز.
۱۲. بحرینی، حسین (۱۳۷۴)، **زبان طراحی شهر خودی**، مجموعه مقالات ارائه شده در اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۲، فصل زمستان.
۱۳. ----- (۱۳۷۸)، **تجدد، فرا تجدید و پس از آن در شهرسازی**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. برمن، مارشال (۱۳۹۲)، **تجربه مدرنیته، هرآنچه که سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود**، ترجمه مراد فرهاد پور، نشر طرح نو، تهران.
۱۵. بهشتی شیرازی، محمد (۱۳۷۸)، «معنا و ماهیت موزه»، **مجله رواق**، شماره ۳، تابستان.
۱۶. ----- (۱۳۷۹)، «شهر و حیات مدنی»، **مجله رواق**، شماره ۵، بهار و تابستان.
۱۷. ----- (۱۳۸۰)، «مفهوم شهر و سو تعلق از آن»، **هفت شهر**، شماره ۴، تابستان و پاییز.
۱۸. ----- (۱۳۸۶)، «نقش آب در حیات ایران زمین».
۱۹. ----- (۱۳۸۷)، «باید دوباره اهل سرزمین مان شویم»، **کندوج**، شماره ۶، بهار.
۲۰. ----- (۱۳۸۷)، «جهان باغ ایرانی»، **گلستان هنر**، شماره ۱۲، پاییز.
۲۱. ----- (۱۳۸۷)، «غزل باغ ایرانی»، **گلستان هنر**، شماره ۱۱، بهار.
۲۲. ----- (۱۳۹۲)، **مهندسی ایرانی**، پنجاهمین نشست از مجموعه نشست های شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران.
۲۳. ----- (۱۳۹۳)، «خانه از آغاز پهلوی اول تا دهه ۴۰ شمسی»، **دوماهنامه معمار**، شماره ۸۷، پاییز.
۲۴. ----- (۱۳۹۵)، «سفره ایرانی، وجهی از رویای فرهنگ ایرانی»، **گیلگمش**، شماره ۱، تابستان.
۲۵. ----- (۱۳۹۵)، **کارنامه مدیریت سرزمینی، پیروی از اشته یا دروغ**، چاپ شده در کتاب مجموعه مقالات همایش میراث فرهنگی و توسعه پایدار، بهار.
۲۶. بورکهارت، تیتوس (۱۳۴۶)، «روح هنر اسلامی»، ترجمه حسین نصر، **هنر و مردم**، شماره ۵۵، بهار.
۲۷. بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۸)، «نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی»، ترجمه غلامرضا اعوانی، **هنر دینی**، شماره ۷۸، زمستان.
۲۸. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۲)، «بررسی تطبیقی شهرهای ایرانی و اروپایی برای ریشه یابی موانع تاریخی مشارکت مدنی»، **صفه**، شماره ۳۷، پاییز و زمستان.
۲۹. ----- (۱۳۸۹)، **سیر اندیشه‌ها در شهرسازی**، انتشارات آرمان شهر، تهران.
۳۰. پناهی سمنانی، محمد احمد (۱۳۷۶)، **خواجه نصیرالدین طوسی - آسمان هنر و آفتاب زمین**، انتشارات ندا، تهران.
۳۱. پوراحمد، احمد؛ حبیبی، لیلا و جعفری مهرآبادی، مریم (۱۳۹۱)، «نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی»، **باغ نظر**، شماره ۲۱، زمستان.
۳۲. پیران، پرویز (۱۳۹۵)، **حکمت خسروانی در اندیشه ایران شهری**، دیالکتیک خاص و عام، خانه گفت‌وگو شهر و معماری، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.

- شهر ایرانی - اسلامی انگاره‌ای تک بعدی از کالبد نیست، بلکه محتوایی دارد که برتر از کالبد خود را نمایان می‌کند. ضرورت دارد این مهم در برنامه‌ریزی‌ها و دیدگاه‌ها و همچنین در اجتماع شهری مورد توجه قرار گیرد. در واقع توجه به روح شهر اسلامی و احیای آن در دوران جدید، هم‌چنین کاربرد هنر دوران اسلامی در ایجاد شهر ایرانی - اسلامی و به کارگیری مفهوم مهم سلسله مراتب فضایی در برنامه‌ریزی‌ها از اصول انکارناپذیر هستند؛ - این مرز و بوم به توسعه‌های راستین، نیازی مبرم و اساسی دارد. در توسعه درون‌زا باید سامانه‌های فکری جهانی (دستاوردهای نوین آنان)، تفکرات ایرانی و اسلامی (بومی) توأم با یکدیگر مد نظر قرار گیرند و مسیر رسیدن به برابری و عدالت فضایی در سکونت‌گاه‌های شهری هموار گردد تا آرمان‌شهر مد نظر شکل گیرد؛

- در نهایت این که در تعاریف و برنامه‌ریزی‌ها عموماً ظرف، شکل و مظهر محتوا است. بنابراین رویکرد، ایران ظرف است که بعد عینی و مادی و مظهر آن آیین اسلام است که بعدی ذهنی و معنوی دارد، پس هنگامی که ترکیب شهر اسلامی را به کار می‌بریم منظور تجلی فضیلت‌های خداوندی در روی زمین است که این ادعایی بزرگ است، بنابراین به جای مطرح کردن ترکیب شهر اسلامی بهتر است عنوان «شهر دوران اسلامی» را به کار برد. این عنوان بیانگر آن است که نحوه رفتار ساکنان شهر در کنار ویژگی‌های پذیرفته شده ایرانی مهم است و به شکلی ایجادکننده شهر آرمانی مدنظر است. چنین شهری با مجموعه‌ای از ایده‌های نوین شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری (هم‌چون بوم شهر، شهر پایدار، شهر سبز و...) سازگار خواهد بود.

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. آخوندی، عباس (۱۳۹۴)، **سخنرانی روز معمار**، خانه گفت‌وگو شهر و معماری، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۷)، **مقدمه ابن خلدون**، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۴. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۳)، **حسن وحدت (نقش سنت در معماری ایرانی)**، ترجمه وناداد جلیلی، انتشارات علم عمران، تهران.
۵. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۲)، **تاریخ تفکر اندیشه‌های اجتماعی در اسلام (از آغاز تا دوره معاصر)**، نشر علم، تهران.
۶. اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی های تاریخی شهرنشینی در ایران، دوره اسلامی»، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۴، تابستان.
۷. اعتضادی، لادن (۱۳۷۷)، «نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان نشین»، **نشریه صفه**، شماره ۲۶، بهار و تابستان.
۸. اعتضادی، لادن و ملک پوراصل، بهزاد (۱۳۹۰)، «پدیده تاریخی شهر ایرانی؛ مروری بر تفسیرهای موجود و پیشنهاد برای روش تحقیق»، **صفه**، شماره ۵۴، پاییز.
۹. اهلرز، آکارت (۱۳۸۷)، «موقوفات دینی و شهر شرقی اسلامی»، ترجمه مصطفی مومنی و محمد حسن ضیا توانا، **میراث جاویدان**، شماره ۲.
۱۰. ایمان، محمد تقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، **پژوهش**، شماره ۲، پاییز و زمستان.

۳۳. توکلی نیا، جمیله (۱۳۹۵)، **جزوه کلاسی واحد درسی- شهر و طبیعت در اسلام**، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۴. جین، جیکوینز (۱۳۹۲)، **مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی**، ترجمه حمیدرضا پارسا، آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۵. حبیبی، محسن و رضایی، مینا (۱۳۹۲)، «شهر، مدرنیته، سینما، کاوش در آثار ابراهیم گلستان»، **هنرهای زیبا**، شماره ۲، تابستان.
۳۶. حبیبی، محسن (۱۳۹۱)، **از شار تا شهر**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۷. خوارزمی، شهیندخت (۱۳۹۴)، **چارچوبی برای طراحی مدل تحلیلی ایران شهر**، خانه گفتمان شهر و معماری، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
۳۸. دورکیم، امیل (۱۳۹۳)، **دریازه تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز، تهران.
۳۹. شریف زادگان، محمد حسین و ملک پور اصل، بهزاد (۱۳۹۴)، **نواحی بهبود کسب و کار (BID) به مثابه بهبود اقتصاد شهری در ایران**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۴۰. صرافسی، مظفر (۱۳۹۴)، **توسعه فضایی پایدار در پرتو اندیشه ایران شهری**، خانه گفتمان شهر و معماری، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
۴۱. طباطبایی، جواد (۱۳۶۹)، **اندیشه سیاسی فارابی**، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران.
۴۲. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۳۶۴)، **اخلاق ناصری**، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، تهران.
۴۳. فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۵)، **فارابی و سیر شهروندی در ایران**، نشر فضا، تهران.
۴۴. مومنی، مصطفی (۱۳۷۳)، «سرچشمه های جهان بینی و آیین شهرسازی ایرانی- اسلامی»، **تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۳۳ و ۳۲، تابستان.
۴۵. نصر، حسین (۱۳۷۵)، **هنر و معنویت اسلامی**، ترجمه رحیم قاسمیان، انتشارات دفتر مطالعات دینی، تهران.
۴۶. نصر، حسین (۱۳۹۰)، «نا کجا آباد یوتوپیا (بررسی انتقادی آرمان ترقی و توسعه)»، ترجمه ایرج داداشی، **سوره**، شماره ۵۲-۵۳، پاییز.
۴۷. نقره کار، عبدالمجید (۱۳۹۵)، **برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری**، انتشارات چپر، تهران.
۴۸. نقی زاده، محمد و امین زاده، بهناز (۱۳۸۱)، «آرمان شهر اسلام، شهر عدالت»، **صفه**، شماره ۳۵، پاییز و زمستان.
۴۹. نقی زاده، محمد (۱۳۷۷)، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، **هنرهای زیبا**، شماره ۴ و ۵، زمستان و بهار.
۵۰. ----- (۱۳۷۸)، «چهره و کالبد شهر در گفتگوی تمدن ها»، **کیهان فرهنگی**، شماره ۱۵۳، تابستان.
۵۱. ----- (۱۳۸۱)، «تاثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی»، **هنرهای زیبا**، شماره ۱۱، تابستان.
۵۲. ----- (۱۳۸۱)، «نقش فضای تفکر دینی در شکل گیری هنر اسلامی»، **هنر دینی**، شماره ۱۳ و ۱۴، پاییز و زمستان.
۵۳. ----- (۱۳۸۹)، «تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر در تمدن اسلامی»، **کتاب ماه هنر**، شماره ۱۴۴، تابستان.
۵۴. ----- (۱۳۹۰)، «ریشه های شهر اسلامی در متون اسلامی»، **کتاب ماه هنر**، شماره ۱۵۵، تابستان.
۵۵. نهج الفصاحه (۱۳۳۶)، **مجموعه کلمات حضرت رسول**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، تهران.